



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

ضرورت پیاده سازی روش تدریس دانش آموز محور در مدارس

صفیه قربانی ایرندگان^۱، حکیمه تاک نژاد^۲، شیما دهقان^۳، خدیجه درزاده^۴، محمد صادق محمدی^۵

۱- کارشناسی تربیت بدنی دانشگاه تربیت معلم زاهدان

۲- کارشناسی حسابداری دانشگاه آزاد کهنوج

۳- کاردانی آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد سراوان

۴- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد سراوان

۵- کارشناسی ادبیات دانشگاه آزاد سراوان

Ghorbani.sa@gmail.com

چکیده

روش تدریس دانش آموز محور رویکردی به آموزش است که تمرکز آموزش را از معلم به دانش آموز تغییر می دهد. هدف آن توسعه استقلال و استقلال یادگیرنده با سپردن مسئولیت مسیر یادگیری به دست دانش آموزان است. آموزش دانش آموز محور همچنین تفاوت های فردی فراگیران را تشخیص داده و به آنها احترام می گذارد و با نیازهای آنها سازگار می شود. چند نمونه از روش های تدریس دانش آموز محور عبارتند از: تابلوهای انتخاب: دانش آموزان انتخاب می کنند که چه فعالیت هایی را برای تمرین یک مهارت یا نشان دادن درک انجام دهند. اره مثبت کاری اره مویی / ایستگاه ها / مراکز: دانش آموزان در گروه های تعاونی کار می کنند تا قسمت های مختلف یک موضوع را یاد بگیرند و سپس دانش خود را با دیگران به اشتراک بگذارند. یادگیری مبتنی بر پرس و جو: دانش آموزان بر اساس یک سوال یا مشکل باز سوالات، ایده ها و تجزیه و تحلیل ایجاد می کنند. آموزش دانش آموز محور فواید زیادی دارد، از جمله: از توانمندسازی، مشارکت و انگیزه دانش آموزان حمایت می کند. تفکر انتقادی، حل مسئله و خلاقیت دانش آموزان را تقویت می کند. دانش آموزان را برای یادگیری مادام العمر و یادگیری مستقل آماده می کند. مطالعه حاضر به بررسی انواع روش های تدریس بر اساس نیاز دانش آموزان پرداخته تا بتوان به نتیجه مطلوب در افزایش بهره وری کلاس درس معلمان دست یافت.

واژه های کلیدی: روش تدریس، دانش آموز محور، یادگیری فعال



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱-مقدمه

آموزش یادگیرنده محور رویکردی برای تدریس است که به طور فزاینده ای در آموزش تشویق می شود. معلمان یادگیرنده از یک روش تدریس واحد استفاده نمی کنند (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶). این رویکرد بر انواع مختلفی از روش‌ها تأکید می‌کند که بر آنچه دانش‌آموزان در حال یادگیری هستند تمرکز می‌کنند، و نقش معلمان را از ارائه‌دهنده اطلاعات به تسهیل یادگیری دانش‌آموز تغییر می‌دهد. تدریس سنتی اغلب منجر به دانش‌آموزانی می‌شود که یادگیرندگان منفعل هستند و مسئولیت یادگیری خود را بر عهده نمی‌گیرند، این روش سنتی "آموزش مربی محور" در مقابل، "آموزش یادگیرنده محور" زمانی اتفاق می‌افتد که مربیان بر یادگیری دانش‌آموز تمرکز کنند. آموزش یادگیرنده محور بر شخصی که یادگیری را انجام می‌دهد تأکید دارد (ویمر، ۲۰۰۲؛ ۷۴). آموزش یادگیری محور بر فرآیند یادگیری تمرکز دارد. هر دو عبارت نقش حیاتی تدریس در فرآیند یادگیری را مشخص می‌کنند. عبارت یادگیری دانش‌آموز محور نیز استفاده می‌شود، اما برخی از مربیان آن را دوست ندارند زیرا به نظر می‌رسد تمرکز مصرف کننده دارد، به نظر می‌رسد دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا توانمندتر شوند و به نظر می‌رسد معلم را از نقش مهم خارج می‌کند (بلومبرگ، ۲۰۰۴؛ ۴۵).

باکستر و گری (۲۰۰۱) موافق هستند که برای یادگیری مؤثر، مطلوب است که به سمت مدلی حرکت کنیم که در آن دانش‌آموزان به طور فعال در فرآیند یادگیری مشارکت دارند. دیگر انتظار نمی‌رود که دانش‌آموز جذب کننده منفعل اطلاعات باشد. در عوض، معلم به عنوان یک تسهیل کننده عمل می‌کند و نیازی به متخصص بودن در محتوای خاص ندارد (تاروینک، ۲۰۰۷؛ ۱۸۹).

وایمر (۲۰۰۲) به این نکته اشاره می‌کند که در کلاس دانش‌آموز محور نقش معلمان و دانش‌آموزان ضروری تغییر می‌کند، به طوری که معلم از «حکیم روی صحنه» به «راهنمای کناری» تبدیل می‌شود که دانش‌آموزان را نه به عنوان ظروف خالی برای پر شدن از دانش، اما به عنوان جویندگانی که در طول سفر رشد فکری خود هدایت شوند؛ نگاه می‌کند (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵). استعاره‌های دیگری درباره معلم در کلاس درس دانش‌آموز محور اتخاذ می‌شود، این است که معلم را به عنوان یک ماما، مربی و استاد توصیف می‌کنند. در مقابل این تغییر نقش، انتظارات دانش‌آموزان است که به معلم برای تصمیم‌گیری تکیه می‌کنند. دانش‌آموزان از طریق انجام دادن یاد می‌گیرند و بنابراین مشارکت دادن آنها در فعالیت‌های یادگیری باعث ارتقای یادگیری می‌شود (ویرارول و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۹۳). به عنوان مثال، دانش‌آموزان وقتی به دعوت استاد برای ارائه مثال‌ها، کاربردها و خلاصه‌ها پاسخ می‌دهند، بخشی از ارائه می‌شوند و از یکدیگر یاد می‌گیرند، و زمانی که در جلسات حل مسئله شرکت می‌کنند، یادگیری را تجربه می‌کنند. فعالیت‌های درون کلاسی که شامل دانش‌آموزان می‌شود، فرصت‌هایی را برای معلمان فراهم می‌کند تا به آنها کمک کند تا درک خود را روشن کنند و موضوع را به روش‌های معنادار بیان کنند (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

۲-روش تدریس دانش‌آموز محور

در دهه گذشته، اصول آموزش یادگیرنده محور در تمام سطوح و رشته‌های آموزشی مورد استفاده گسترده قرار گرفته است. متأسفانه با محبوبیت این اصول، تعریف آموزش یادگیرنده محور کمی مبهم و بیش از حد ساده شده است. اگرچه راهبردهایی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مانند مشارکت دانش‌آموز، یادگیری فعال و سایر شیوه‌هایی که دانش‌آموزان را در یادگیری خودشان مشارکت می‌دهند، جزء ضروری آموزش یادگیرنده محور است. این شیوه‌ها بیانگر کل فلسفه معنای معلم محور بودن نیست (پرزل، ۲۰۰۹؛ ۱۸۷). روش‌های تدریس دانش‌آموز محور شامل یادگیری فعال است که در آن دانش‌آموزان مسائل را حل می‌کنند، به سؤالات پاسخ می‌دهند، سؤالات خود را تنظیم می‌کنند، بحث می‌کنند، توضیح می‌دهند، بحث می‌کنند یا در طول کلاس طوفان فکری می‌کنند. یادگیری مشارکتی، که در آن دانش‌آموزان به صورت تیمی روی مسائل و پروژه‌ها تحت شرایطی کار می‌کنند که هم وابستگی متقابل مثبت و هم مسئولیت‌پذیری فردی را تضمین می‌کند و آموزش و یادگیری استقرایی، که در آن دانش‌آموزان ابتدا با چالش‌ها (سؤالات یا مشکلات) مواجه می‌شوند و مطالب درسی را در چارچوب پرداختن به چالش‌ها می‌آموزند (ویرارول و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۹۳). روش‌های استقرایی شامل یادگیری مبتنی بر تحقیق، آموزش مبتنی بر مورد، یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری مبتنی بر پروژه، یادگیری کشفی و آموزش به موقع است (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸، ۹). روش‌های دانش‌آموز محور بارها نشان داده شده است که نسبت به رویکرد سنتی معلم محور در آموزش برتری دارند، نتیجه‌ای که به کار می‌رود آیا نتیجه ارزیابی شده تسلط کوتاه مدت، حفظ طولانی مدت، عمق درک مطالب درسی، کسب نکات انتقادی تفکر یا مهارت‌های حل مسئله خلاق، شکل‌گیری نگرش مثبت نسبت به موضوع مورد تدریس، یا سطح اعتماد به دانش یا مهارت‌ها است (آرامبراستر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۸).

۱-۲- ویژگی‌های تدریس یادگیرنده محور

۱- دانش‌آموزان را در فرآیند یادگیری مشارکت دهید. در تدریس سنتی در بیشتر کلاس‌ها معلمان بسیار بیشتر از دانش‌آموزان کار می‌کنند. دانش‌آموزان مهارت‌های یادگیری پیچیده‌ای را بدون فرصت تمرین ایجاد نمی‌کنند و در بیشتر کلاس‌های درس، معلم بسیار بیشتر از دانش‌آموزان تمرین می‌کند. با آموزش یادگیرنده محور، دانش‌آموزان این فرصت را دارند که یک وظیفه واقعی را اجرا کنند و مهارت‌ها و شایستگی‌های کلیدی قرن بیست و یکم را از طریق این فرآیند به دست آورند (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

۲- آموزش دانش‌آموز محور شامل آموزش مهارت‌های صریح است، دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که چگونه فکر کنند، مسائل را حل کنند، تصمیم‌گیری کنند، کار گروهی کنند، شواهد را ارزیابی کنند، استدلال‌ها را تجزیه و تحلیل کنند، و فرضیه ایجاد کنند. آنها تصور نمی‌کنند که دانش‌آموزان این مهارت‌ها را به تنهایی و به طور خودکار بدست می‌آورند. تعداد کمی از دانش‌آموزان این کار را انجام می‌دهند، اما همه این کار را انجام نمی‌دهند. تحقیقات نشان می‌دهد که مهارت‌های یادگیری اگر به طور صریح همراه با محتوا آموزش داده شوند، سریع‌تر رشد می‌کنند. (پرزل، ۲۰۰۹؛ ۱۸۷).

۳- آموزش دانش‌آموز محور دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا در مورد آنچه می‌آموزند و نحوه یادگیری آن فکر کنند. معلمان یادگیرنده محور در مورد یادگیری صحبت می‌کنند. در مکالمات، دانش‌آموزان در مورد آنچه آموخته‌اند و مشکلات و نقاط قوتشان می‌نویسند (در کارنامه الکترونیکی یا دفتر خاطرات). در کلاس، آنها ممکن است در مورد یادگیری خود صحبت کنند و ارزیابی‌های زوجی انجام دهند. آنها مفروضات دانش‌آموزان در مورد یادگیری را به چالش می‌کشند و آنها را تشویق می‌کنند تا مسئولیت تصمیماتی را که در مورد یادگیری می‌گیرند؛ بپذیرند. آموزش یادگیرنده محور شامل اجزای تکلیفی است که در آن دانش‌آموزان آنچه را که می‌آموزند و نحوه یادگیری آن را منعکس، تجزیه و تحلیل و نقد می‌کنند. هدف این است که



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دانش آموزان از خود به عنوان یادگیرنده آگاه شوند و مهارت های یادگیری را به چیزی تبدیل کنند که دانش آموزان می خواهند توسعه دهند (ویرارول و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۹۳).

۴- آموزش دانش آموز محور با دادن کنترل بر فرآیندهای یادگیری دانش آموزان را برانگیخته می کند. معلمان بیشتر تصمیمات مربوط به یادگیری را برای دانش آموزان می گیرند. معلمان تصمیم می گیرند که دانش آموزان چه چیزی را یاد بگیرند، چگونه آن را یاد بگیرند، سرعت یادگیری و شرایطی که تحت آن یاد می گیرند، و سپس معلمان تعیین می کنند که آیا دانش آموزان یاد گرفته اند یا خیر (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸، ۹). معلمان یادگیرنده محور به دنبال راه های مسئولیت پذیر اخلاقی برای تقسیم مسئولیت با دانش آموزان هستند (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵). آن ها ممکن است به دانش آموزان در مورد تکالیفی که تکمیل می کنند، حق انتخاب بدهند. آنها ممکن است توافقات کلاسی را که دانش آموزان می توانند در مورد آن بحث کنند، ایجاد کنند. آنها ممکن است به دانش آموزان اجازه دهند مهلت تکالیف را در یک پنجره زمانی معین تعیین کنند. آنها ممکن است از دانش آموزان بخواهند که در ایجاد معیارهای ارزیابی کمک کنند (پرزل، ۲۰۰۹؛ ۱۸۷).

۵- آموزش دانش آموز محور همکاری را تشویق می کند آموزش دانش آموز محور این امکان را برای دانش آموزان فراهم می کند که بتوانند از دیگران و با آنها بیاموزند. معلم تخصص و وظیفه دارد آن را به اشتراک بگذارد، اما معلمان نیز می توانند از دانش آموزان یاد بگیرند. معلمان یادگیرنده محور برای ایجاد ساختارهایی کار می کنند که تعهدات مشترک در یادگیری را ترویج می کند. آنها یادگیری فردی و جمعی را مهمترین هدف هر تجربه آموزشی می دانند (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

۲-۲- پنج حوزه آموزش دانش آموز محور

۱- پایگاه دانش. نتیجه قطعی دهه ها تحقیق بر روی پایگاه دانش این است که آنچه دانش آموز قبلاً می داند تا حد زیادی تعیین می کند که او به چه اطلاعات جدیدی توجه می کند، چگونه اطلاعات جدید را سازمان دهی و نمایش می دهد، و چگونه تجربیات جدید را فیلتر می کند، و حتی آنچه را که او تشخیص می دهد مهم یا مربوط مهم است. (الکساندر و مورفی، ۲۰۰۰؛ ۱۳۴)

۲- پردازش استراتژیک و کنترل اجرایی. توانایی انعکاس و تنظیم افکار و رفتارهای خود یکی از جنبه های اساسی یادگیری است. دانش آموزان موفق به طور فعال در یادگیری خود شرکت می کنند، بر تفکر خود نظارت می کنند، به یادگیری خود فکر می کنند و مسئولیت یادگیری خود را بر عهده می گیرند (لامبرت و مک کامبز، ۲۰۰۰؛ ۶۸)

۳- انگیزه و تأثیر. مزایای آموزش یادگیرنده محور شامل افزایش انگیزه برای یادگیری و رضایت بیشتر از مدرسه است. هر دوی این نتایج منجر به موفقیت بیشتر می شود. مشارکت شخصی، انگیزه درونی، تعهد شخصی، اعتماد به توانایی های خود برای موفقیت، و درک کنترل بر یادگیری منجر به یادگیری بیشتر و موفقیت بالاتر در مدرسه می شود. (الکساندر و مورفی، ۲۰۰۰؛ ۱۳۴)

۴- توسعه و تفاوت های فردی افراد در مراحل مختلف رشد، تحت تأثیر عوامل ارثی و محیطی پیشرفت می کنند (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸، ۹).

۵- موقعیت یا زمینه. نظریه های یادگیری که نقش مشارکت فعال و تعامل اجتماعی را در ساخت دانش خود دانش آموزان برجسته می کند. بسیاری از عوامل محیطی از جمله نحوه تدریس معلم و میزان مشارکت فعال دانش آموز در فرآیند یادگیری به طور مثبت یا منفی بر میزان و آنچه دانش آموزان می آموزند تأثیر می گذارد. (لامبرت و مک کامبز، ۲۰۰۰؛ ۶۷).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۲-۳- آموزش دانش آموز محور به منظور رشد موثر کودکان

یادگیرندگان برای دستیابی به آموزش یادگیرنده محور، معلمان باید بر موارد زیر تمرکز کنند:
محتوا: آموزش مبتنی بر ایجاد یک پایه دانش قوی و توسعه مهارت های یادگیری و خودآگاهی یادگیرنده خواهد بود (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸، ۹).

نقش معلم: نقش معلم تسهیل کننده فرآیند یادگیری است. معلم یک کار واقعی را به دانش آموزان پیشنهاد می کند و برخی از تصمیمات را در مورد فرآیند یادگیری به اشتراک می گذارد (پرزل، ۲۰۰۹؛ ۱۸۷).
مسئولیت یادگیری خود: معلم محیط های یادگیری را ایجاد می کند که دانش آموزان را تشویق می کند تا مسئولیت یادگیری خود را بپذیرند (کمالی و علیزاده، ۲۰۱۸، ۹).

ارزیابی: آموزش یادگیرنده محور از ارزیابی به عنوان بخشی از فرآیند یادگیری استفاده می کند، ما استفاده از روبریکا و استفاده از نمونه کار الکترونیکی و سایر ابزارهای ICT را پیشنهاد می کنیم (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

۲-۴- پرورش ویژگی های یادگیری موثر باید در دانش آموزان پیاده سازی کنیم:

آمادگی: این در انگیزه، کنجکاو، باوری که می توانید به دست آورید و اینکه شما شایسته موفقیت هستید را نشان می دهد.
انعکاس: این در نگاه کردن به گذشته، یادگیری، عملکرد و تمرین شما را بهبود می بخشد.
تدبیر: با یادگیری با دیگران و از دیگران، یادگیری خلاقانه به روش های مختلف، انعطاف پذیر بودن و به کار بردن آنچه آموخته اید مشخص می شود.

تاب آوری: این با ادامه دادن، یادگیری تحت استرس، و مدیریت احساسات خود در مورد یادگیری و افرادی که با آنها یاد می گیرید نشان می دهد.

مسئولیت پذیری: این به شما خودآگاهی خود را در یادگیری و مالکیت یادگیری خود و توانایی یادگیری در کنار دیگران نشان می دهد.

دانش آموزان برای اینکه یادگیرنده خوبی باشند باید:

۱- در هر فرصتی با انگیزه و آماده یادگیری باشید.

۲- مایل به رویارویی با یک چالش باشید

۳- با دقت گوش کنید و خوب کار کنید (با دیگران و به تنهایی)

۴- با دقت فکر کنید و از مهارت ها و دانشی که از قبل دارم استفاده کنید.

۵- رفتارهای یادگیری مثبت را در خود تشخیص دهند.

۶- شناخت رفتارهای یادگیری مثبت در دیگران (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

۷- مهارت هایی را شناسایی کنید که در مواقعی که یادگیری دشوار می شود از آنها استفاده کنید.

۸- برای ارزیابی یادگیری خود و تشخیص اینکه دفعه بعد چه کاری را می توان متفاوت انجام داد.

۹- تا بتوانند با همسالان خود به صورت مشترک کار کنند.

۱۰- تا آموخته های خود را به وضوح بیان کنند.

۱۱- آنچه را که آموخته ام درک کنم و هدف بعدی خود را بدانم.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۲-به چیزهایی که یاد گرفتیم فکر کنیم(پرزل، ۲۰۰۹؛ ۱۸۷).

۲-۵- اجرای رویکرد یادگیرنده محور

بیش از بیست سال شواهد تحقیقاتی از آموزش یادگیرنده محور پشتیبانی می کند روش ها به عنوان راهی برای نتایج بهتر دانش آموزان در مقایسه با روش های سنتی معلم محور. چند مورد از این نتایج بهتر دانش آموز عبارتند از:

۱-درک معنی دار و بلند مدت

۲-درگیر شدن در رویکردهای یادگیری عمیق به جای تلاش های سطحی

۳- یادگیری مستقل و مادام العمر

۴-افزایش انگیزه برای یادگیری

۵-نتایج ارزیابی بهتر، به ویژه با آزمون های درک مفهومی(تسیر، ۲۰۰۷؛ ۶۷).

۲-۶- مقاومت دانش آموزان و معلمان در برابر این رویکرد

تحقیقات به طور مداوم نشان داده است که شیوه های تدریس یادگیرنده محور موثرتر از رویکردهای سنتی معلم محور هستند، اما متأسفانه، مزایای آن ممکن است فوری یا خودکار نباشد. در واقع، بسیاری از معلمان بازگشت به آموزش های راحت تر و معلم محور خود را آسان تر می دانند. برای افزایش شانس خود برای اجرای موفقیت آمیز رویکردهای یادگیرنده محور، مهم است که موانع بالقوه ای را که ممکن است با آن روبرو شویم، درک کنیم. جالب توجه است که موانع اولیه یا مقاومت در برابر تغییر از دو گروه سرچشمه می گیرند: دانش آموزان و معلمان(اوسولیوان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰).

دانش آموزان ممکن است در هنگام مواجهه با آموزش یادگیرنده هم محور کمتر مشتاق یا حتی سرکش باشند. چهار دلیل محتمل برای این مقاومت وجود دارد، و شما ممکن است با هر یک یا همه آنها در کلاس درس برخورد کنید. چهار دلیل متداول برای مقاومت عبارتند از:

۱- رویکردهای دانش آموز محور نیاز به کار بیشتری دارند

دانش آموزان اغلب دلبستگی ناسالمی به یادداشت های پاورپوینت خود دارند و دلیل خوبی هم دارد. این روش برای کسب دانش به حداقل تلاش ذهنی آنها نیاز دارد. اگر به جای ارائه فهرستی از مثال ها برای یک مفهوم در سخنرانی تان، از دانش آموزان بخواهید که به یک شریک مراجعه کنند و فهرست نمونه های خود را تهیه کنند، چه؟ تلاش ذهنی برای آنها نیاز دارد و اگر مثال های آنها اشتباه باشد چه؟ برای دانش آموزان، این ممکن است مانند یک تلاش بیهوده به نظر برسد، در حالی که در واقع این فرآیند به آنها کمک می کند تا محتوا را بهتر یاد بگیرند و فرصتهایی را برای آنها فراهم می کند تا با تصورات نادرست خود در مورد یک مفهوم جدید روبرو شوند(اوسولیوان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰).

۲- رویکردهای یادگیرنده محور تهدید کننده هستند

به خاطر داشته باشید که در بیشتر عمر یک دانش آموز، معلم در محیط کلاسی معلم محور به او گفته است که چه کاری انجام دهد و چه چیزهایی را بداند. عکس العمل آنها را وقتی متوجه می شوند که در یک کلاس درس یادگیرنده محور، جزئیات مربوط به: چه کاری باید انجام شود، "پاسخ صحیح" چیست و چه کسی مسئول آن چیزی است که ناگهان کمتر از آنچه که



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

انتظارش را داشته اند، روشن است، تصور کنید. این برای آنها کاملاً دلهره آور است زیرا این یک تجربه کاملاً جدید است و ترس از شکست در این محیط ناآشنا می تواند باعث اضطراب شود (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

۳- رویکردهای یادگیرنده محور شامل ضرر و زیان است

رویکردهای یادگیرنده محور رشد فکری ایجاد می کند که متفکران و یادگیرندگان مستقل را ایجاد می کند. محیط آموزشی یادگیرنده محور، مسئولیت یادگیری و تصمیم گیری را بر عهده دانش آموز قرار می دهد. زمانی که دانش آموز متوجه می شود که باید از یک یادگیرنده وابسته حرکت کند تا به طور مستقل در مورد آنچه برای او مهم است که یاد بگیرد و چگونه یک مفهوم را عمیقاً باید مطالعه کند، تصمیم گیری کند، ممکن است احساس فقدان وجود داشته باشد (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

۴- برخی از دانش آموزان برای برخی رویکردهای دانش آموز محور آماده نیستند

گاهی اوقات یک دانش آموز واقعاً از نظر فکری آماده نیست تا به یادگیرنده مستقلی تبدیل شود که برای او لازم است تا بیشترین بهره را از رویکردهای آموزشی یادگیرنده محور داشته باشد. اگر به نظر می رسد که در برابر کار یا مسئولیت بیشتر مقاومت نمی کنند و به نظر نمی رسد ترسی داشته باشند، ممکن است از نظر فکری آمادگی مقابله با یک فعالیت خاص را نداشته باشند. اگر اینطور است، ممکن است لازم باشد فعالیت را اصلاح کنید یا یک تجربه پل زدنی ایجاد کنید تا آنها را برای آن فعالیت آماده کنید (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).

دانستن منابع مقاومت می تواند به شما کمک کند تا برنامه ای برای مبارزه با مقاومتی که ممکن است در دوره شما رخ دهد، تدوین کنید. برای هر یک از این موقعیت ها، ارتباط بهترین پاسخ اول است (اکدمیر و اوزلیک، ۲۰۱۹؛ ۱۱۵۰).

راه های موثر بسیاری برای برقراری ارتباط از طریق مقاومت دانش آموزان وجود دارد. یکی از راه ها این است که دلیل و منطق پشت آنچه از دانش آموزان می خواهید انجام دهند را توضیح دهید. تصور نکنید که دانش آموزان فوراً مزایای کار را از طریق یک تکلیف یا فعالیت جدید خواهند دید (اوسولیوان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰).

همچنین باید راهبردهایی را وضع کنید که دانش آموزان را تشویق کند که مسئولیت یادگیری خود را بپذیرند. به عنوان مثال، یک استراتژی موثر این است که تعهد شخصی خود را به یادگیری نشان دهید (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).

همکاران ممکن است در مقابل تدریس دانش آموز محور مقاومت کنند

برخی از معلمان و مدیران ممکن است با توجه به یادگیری شما نگران شوند

برنامه های آموزشی به دلایل مختلف در زیر سه مورد از رایج ترین دلایلی که همکاران شما ممکن است با رویکرد جدید شما موافق نباشند آورده شده است (علی، ۲۰۱۹؛ ۷۵).

۱- یکی از دلایل رایج این باور است که شما به اندازه کافی محتوا را پوشش نمی دهید. اگر دوره خود را از رویکرد معلم محور به رویکرد یادگیرنده محور تغییر دهید، باید نقش محتوا را دوباره تعریف کنید. به یاد داشته باشید که نقش محتوا در کلاس شما هدایت دانش پایه ای است که دانش آموزان باید کسب کنند و فرصتی برای توسعه مهارت های یادگیری در آن حوزه دانش فراهم می کند. رویکرد تدریس یادگیرنده محور از محتوا برای انجام این کار استفاده می کند، در حالی که رویکرد معلم محور فقط تمام محتوایی را که می تواند در دوره قرار گیرد را پوشش می دهد. مهمتر این است که دانش آموزان یاد بگیرند که



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

چگونه از دانش کسب شده خود استفاده کنند تا اینکه همه حقایق ارائه شده در خلاء کلاس درس را بدانند (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

۲- دومین دلیل رایج برای مقاومت همکاران این باور است که فقط دانش آموزان بسیار پیشرفته و بالغ از این نوع تمرین سود می برند. همکاران شما ممکن است باور نداشته باشند که دانش آموزان مبتدی می توانند به اندازه کافی از این روش ها بیاموزند و باید ابتدا در اصول اولیه آموزش ببینند. با این حال، این یک تصور غلط به طور گسترده پذیرفته شده است. رویکردهای یادگیرنده محور می تواند برای هر دانش آموزی علیرغم نقطه شروع آموزشی آنها مفید باشد (تسیر، ۲۰۰۷؛ ۶۷).

۳- سومین دلیل رایج این است که معلمان می توانند در هنگام واگذاری مسئولیت یادگیری به دانش آموزان احساس خطر کنند. به خصوص برای معلمان با تجربه، رها کردن کنترل کامل در کلاس و تقسیم قدرت با دانش آموزان دشوار است. ماهیت آموزش یادگیرنده محور تعادل قدرت را در کلاس تغییر می دهد. برای اینکه دانش آموزان یاد بگیرند، باید فرصت و مسئولیت بیشتری به آنها داده شود تا با مفاهیم درگیر شوند و درک خود را بسازند (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

تغییر قدرت به چه صورت است؟ این مستلزم واگذاری تمام قدرت به دانش آموزان و از دست دادن کنترل به عنوان یک رهبر نیست. دلیلی وجود دارد که شما معلم هستید. تغییر قدرت بیشتر در مورد تقسیم مسئولیت یادگیری با دانش آموزان است (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

چگونه می توانید ترس از تغییر قدرت را برطرف کنید؟ از خود یا از خودتان همکاران، سوالات زیر را بپرسید:

۱- شما دانش آموزان خود را چگونه توصیف می کنید؟

۲- آیا آنها یادگیرندگان توانمند و خودانگیز هستند؟

۳- چه کسانی وظایف یادگیری را با اعتماد به نفس و نبوغ انجام می دهند؟ (علی، ۲۰۱۹؛ ۷۵).

۴- بسیاری از دانش آموزان امیدوارند که این دوره آسان باشد و نگران این هستند که اگر با مشکلاتی مواجه شوند چه کاری انجام خواهند داد. "بیشتر ترجیح می دهند در کلاس صحبت نکنند و ایده آنها از کلاس خوب کلاسی است که معلم دقیقاً به آنها می گوید که چه کاری انجام دهند. (اوسولیوان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰).

۵- چرا بسیاری از دانش آموزان مضطرب، بلا تکلیف و نسبت به خود به عنوان یادگیرنده نامطمئن هستند؟

۶- آیا چیزی در نحوه تدریس ما وجود دارد که دانش آموزان را به یادگیرندگان وابسته تبدیل می کند، که مانع از رشد آنها می شود، و باعث می شود تا زمانی که معلمان به آنها نگویند چه چیزی و چگونه به آنها نگویند، نتوانند یاد بگیرند؟ (آرمبراستر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۸).

۳- انواع روش تدریس دانش آموز محور

۱- یادگیری فعال، که در آن دانش آموزان مسائل را حل می کنند، به سوالات پاسخ می دهند، سوالات خود را تنظیم می کنند، بحث می کنند، توضیح می دهند، مناظره می کنند یا در طول کلاس طوفان فکری می کنند (اکدمیر و اوزلیک، ۲۰۱۹؛ ۱۱۵۰).

۲- یادگیری مشارکتی، که در آن دانش آموزان به صورت گروهی روی مسائل و پروژه ها تحت شرایطی کار می کنند که هم وابستگی متقابل مثبت و هم مسئولیت پذیری فردی را تضمین می کند (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۳-آموزش و یادگیری القایی، که در آن ابتدا دانش آموزان با چالش‌هایی مواجه می‌شوند. روش‌های استقرایی شامل یادگیری مبتنی بر تحقیق، آموزش مبتنی بر مورد، یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری مبتنی بر پروژه، یادگیری کشفی و آموزش به موقع است (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).

روش‌های یادگیرنده محور بارها نشان داده شده است که برتر از رویکرد سنتی معلم محور به آموزش هستند، نتیجه‌ای که به کار می‌رود آیا نتیجه ارزیابی شده تسلط کوتاه مدت، حفظ طولانی مدت، عمق درک مطالب درسی، کسب نکات انتقادی است (مورفی و همکاران، ۲۰۲۱؛ ۳۰). تفکر یا مهارت‌های حل مسئله خلاق، شکل‌گیری نگرش مثبت نسبت به موضوع مورد تدریس، یا سطح اعتماد به نفس در دانش و مهارت است. (آرمبراستر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۸).

۳-۱- یادگیری فعال

یادگیری فعال، دانش‌آموزان را با استفاده از فعالیت‌هایی مانند خواندن، نوشتن، بحث یا حل مسئله، که تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزیابی محتوای کلاس را ترویج می‌کند، درگیر یادگیری می‌کند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).

یادگیری فعال در کلاس همچنین فرصت‌های غیررسمی را برای دانش‌آموزان برای بازخورد در مورد اینکه چقدر مطالب را خوب درک کرده‌اند، فراهم می‌کند (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

یادگیری فعال فرصت یادگیری عمیق‌تر را ایجاد می‌کند. با این حال، مقاومت دانش‌آموز در برابر این نوع یادگیری اغلب زیاد است. یادگیری فعال با دیدگاه سنتی دانش‌آموزان در مورد تدریس و یادگیری در تعارض است. در دبیرستان به دانش‌آموزان اطلاعات می‌گفتند، آن‌ها را حفظ می‌کردند و سپس بر روی آن اطلاعات آزمایش می‌شدند. در عوض، یادگیری فعال مستلزم آن است که آنها ریسک کنند و راهبردهای یادگیری را امتحان کنند که هیچ تجربه قبلی در مورد آنها ندارند (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

یادگیری فعال به طیف گسترده‌ای از راهبردهای آموزشی اشاره دارد که دانش‌آموزان را به عنوان شرکت‌کنندگان فعال در یادگیری خود در طول کلاس با مربی خود درگیر می‌کند. به طور معمول، این استراتژی‌ها شامل مقداری از دانش‌آموزان است که در طول کلاس با هم کار می‌کنند، اما ممکن است شامل کار فردی و یا تفکر نیز باشد (وسولویان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰). این رویکردهای آموزشی از فعالیت‌های کوتاه و ساده مانند ژورنال‌نویسی، حل مسئله و بحث‌های زوجی گرفته تا فعالیت‌های طولانی‌تر یا چارچوب‌های آموزشی مانند مطالعات موردی، بازی‌های نقش‌آفرینی و یادگیری مبتنی بر تیم ساختاریافته را شامل می‌شود (تسییر، ۲۰۰۷؛ ۶۷).

در یک کلاس "سنتی"، معمول است که فقط برخی از دانش‌آموزان در یک دوره معین در پرسیدن یا پاسخ دادن به سوالات شرکت کنند. در مقابل، کلاسی با فعالیت‌های یادگیری فعال موفق، فرصتی را برای همه دانش‌آموزان در کلاس فراهم می‌کند تا با مطالب درسی و مهارت‌های تمرینی برای یادگیری، کاربرد، ترکیب یا خلاصه کردن آن مطالب فکر کنند و درگیر شوند. (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).

استفاده از راهبردهای یادگیری فعال مستلزم کنار گذاشتن قالب سخنرانی نیست. در عوض، افزودن استراتژی‌های کوچک یادگیری فعال می‌تواند سخنرانی را برای یادگیری دانش‌آموز مؤثرتر کند. این فعالیت‌ها به دانش‌آموزان فقط یک یا دو دقیقه فرصت می‌دهند تا درک خود را از مطالب اخیر بررسی کنند، یک مهارت را تمرین کنند، یا شکاف‌های دانش خود را قبل از ارائه توضیح برجسته کنند (آرمبراستر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۸).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۳-۲- یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی، که عموماً به دانش‌آموزانی که با یکدیگر در تلاش برای ایجاد دانش و دستیابی به اهداف یادگیری مشترک کار می‌کنند، اشاره دارد، توسط محققان به‌عنوان یک رویکرد آموزشی امیدوارکننده برای آموزش شناسایی شده است. این رویکرد آموزشی دارای نتایج مؤثر دانش‌آموزی مانند افزایش پیشرفت تحصیلی، بهبود توانایی‌ها در انتقال اطلاعات از محیطی به محیط دیگر و توانایی ایجاد ایده‌های جدید است (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

یادگیری مشارکتی یک اصطلاح کلی است که برای اشاره به انواع رویکردهای آموزشی شامل تلاش فکری مشترک دانش‌آموزان یا دانش‌آموزان و معلمان با هم استفاده می‌شود. معمولاً این تلاش مشترک فکری شامل کار دانش‌آموزان با هم در گروه‌های دو یا چند نفره می‌شود و متقابلاً به دنبال درک، راه‌حل یا معنا هستند (آرمبراستر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۸).

به طور خاص، این تلاش مشترک فکری می‌تواند برای مثال شامل رویکرد آموزشی مشکل محور باشد. این استراتژی یادگیری مشارکتی به دانش‌آموزان امکان برخورد تجربی مستقیم با مشکلات دنیای واقعی را می‌دهد. به این ترتیب، دانش‌آموزان در مسائل پیچیده‌ای غوطه‌ور می‌شوند که باید آنها را تجزیه و تحلیل و با هم کار کنند. این استراتژی یادگیری مشارکتی توانایی‌های حل مسئله، درک روابط پیچیده و همچنین توانایی‌های تصمیم‌گیری را توسعه می‌دهد (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

راهبردهای یادگیری مشارکتی رویکردها یا رویه‌هایی صریح برای هدایت فرآیند یادگیری مشارکتی هستند. یادگیری مشارکتی زمانی اتفاق می‌افتد که زوج‌ها یا گروه‌های کوچک برای به اشتراک گذاشتن مسئولیت‌ها، اختیارات و نتایج یادگیری مهندسی شده باشند (علی، ۲۰۱۹؛ ۷۵). استراتژی‌های یادگیری مشارکتی چارچوب‌ها و فرآیندهای گام به گام را برای تسهیل وابستگی متقابل بین اعضای گروه، مشارکت فعال، گفتگوی تعاملی فراهم می‌کنند که همگی از ویژگی‌های بارز یادگیری مشارکتی هستند. در اصل، این استراتژی‌ها معماری یا زیرساختی برای تسهیل ساخت دانش در بین دانش‌آموزان هستند. مانند راهبردهای یادگیری مشارکتی، اساس راهبردهای یادگیری مشارکتی، مشارکت معنادار دانش‌آموز است. راهبردهای یادگیری مشارکتی ذاتاً فعال هستند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).

۳-۲-۱- مزایای فردی یادگیری مشارکتی

۱- یادگیری به یک فرآیند واقعا فعال تبدیل می‌شود

یادگیرنده باید افکار خود را سازماندهی کند، یک استدلال منسجم برای نشان دادن نظر خود ارائه دهد، از آن نقطه برای همسالان خود دفاع کند و دیگران را متقاعد کند که استدلال آنها درست است. این مشارکت فعال به این معنی است که فرد یاد می‌گیرد و دانش بیشتری را حفظ می‌کند (اوسولیوان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰).

۲- یادگیری از دیدگاه دیگران را ترویج می‌کند

فراگیران از شنیدن دیدگاه‌های گوناگون سود می‌برند. مطالعات نشان می‌دهد که وقتی فردی در معرض دیدگاه‌های متفاوتی قرار می‌گیرد، به‌ویژه از سوی افراد با پیشینه‌های مختلف، بیشتر یاد می‌گیرد (آرمبراستر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۸).

۳- نحوه تفکر انتقادی و سریع را آموزش می‌دهد

یادگیرنده باید به سرعت پاسخ‌ها را ترکیب کند و اگر متوجه شد که استدلال آنها کم است، ایده‌های خود را در همان لحظه تنظیم کند. افراد یاد می‌گیرند که چگونه انتقادی و سریع فکر کنند، در حالی که اطلاعات جدید را دریافت می‌کنند و دیدگاه خود را به عنوان ایده‌های جدید تنظیم می‌کنند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۴- گوش دادن به انتقاد و نصیحت را ترویج می کند

یادگیرنده همچنین به نظرات دیگران گوش می دهد که از طریق ایده های خود صحبت می کنند و افکار خود را به نفع یا علیه استدلال های همسالان خود ارائه می دهند. این رویکرد پویا به این معنی است که زبان آموزان درک کامل تری از موضوع به دست می آورند، زیرا باید آن را از همه جهات در نظر بگیرند (منگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ ۷۶).

۵- مهارت های صحبت در جمع و گوش دادن فعال را توسعه می دهد

افراد یاد می گیرند که در مقابل مخاطبان همسالان خود خوب صحبت کنند، فعالانه گوش دهند، ایده ها را به چالش بکشند، و چارچوبی از ایده ها را در ارتباط با دیگران بسازند. این افزایش سهولت اجتماعی هم از نظر اجتماعی و هم در محل کار به افراد کمک می کند (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

۶- همکاری را بهبود می بخشد

وقتی هدف مشخصی برای یادگیرندگان در نظر گرفته می شود، احتمالاً بیشتر درگیر بحث های متفکرانه با یکدیگر می شوند و درک آن ها از موضوع و احترامشان را برای یکدیگر بهبود می بخشد (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

۳-۳- رویکرد استقرایی

در رویکرد قیاسی، یک قانون را به یادگیرنده ارائه می کنیم و سپس آنها را تشویق می کنیم که درباره آن فکر کنند، آن را تمرین کنند و یاد بگیرند. راهبردهای تدریس استقرایی در جهت معکوس جریان می یابند که یک روش تدریس یادگیرنده محور است. به دانش آموزان حقایق ارائه می شود و سپس از آنها خواسته می شود تا قوانین خود را در مورد آن ها ارائه کنند (اوسولویان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰). برای مثال، ممکن است به دانش آموزان پنج جمله بدهیم که همگی حاوی یک فعل زمان گذشته باشند. می توان از آنها خواست که افعال و زمان استفاده از آنها را شناسایی کنند. در رویکرد قیاسی، مفهوم افعال زمان گذشته را که قبل از شروع به کار تمرین استفاده می شود، توضیح می دهیم (تسیر، ۲۰۰۷؛ ۶۷).

هدف از روش تدریس استقرایی چیست؟ دانش آموزان با توجه به مجموعه ای از اطلاعات می توانند قوانین نادرستی ارائه دهند. چگونه کمک می کند؟ پاسخ در این است که چگونه آنها را به فکر وادار می دارد. وقتی در روش تدریس قیاسی اطلاعاتی به ما داده می شود، ما ظرف های منفعل دانش هستیم. (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵). در کلاس درس تحت رهبری معلم، توانایی ذاتی یادگیرنده برای درک و معما کردن اطلاعات به ندرت درگیر می شود (علی، ۲۰۱۹؛ ۷۵). در راهبردهای تدریس استقرایی، فراگیران باید اطلاعاتی را که در مقابل خود دارند تجزیه و تحلیل کنند، به نتایج منطقی برسند، و حتی اگر اشتباه باشند، این فرآیند به آنها کمک می کند تا بهتر با اطلاعات ارتباط برقرار کنند. این به آنها کمک می کند تا منطق زیربنایی را به روشی به یادماندنی تر درک کنند (آرمبراستر و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۲۰۸).

۳-۳-۱- مزایای آموزش استقرایی

مدل تدریس استقرایی می تواند در کلاس های درس از همه نوع قدرتمند باشد. بیایید برخی از مزایای رویکرد استقرایی در تدریس را در نظر بگیریم:

۱- تفکر انتقادی را ترویج می کند



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

با ارائه نکردن پاسخ های اولیه به دانش آموزان، آنها را دعوت می کند تا قوانینی را بر اساس اطلاعاتی که دارند ارائه دهند. این یک توانایی شناختی و فراشناختی است که آنها را در حل مسئله و تصمیم گیری بزرگسالان به خوبی حفظ می کند (منگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ ۷۶).

۲- مشارکت دانش آموزان را درگیر می کند

تمرکز در محیطی که دائماً در آن اطلاعات دریافت می کنیم، دشوار است. ذهن سرگردان و پرچم های توجه. در مثال های روش استقرایی، کار گروهی اغلب تشویق می شود و از دانش آموزان انتظار می رود که کار و یافته های خود را ارائه دهند. همچنین آنها را مجبور می کند که برای خودشان فکر کنند (اوسولیوان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰).

۳- یادگیری طولانی مدت است

با درگیر کردن کامل تر مغز، روش استقرایی مثال ها می تواند به دانش آموزان در حفظ اطلاعات کمک کند. با گنج شدن در مورد حقایق و ارقام و سایر اشکال داده، یادگیرندگان با موضوعی که مطالعه می کنند رابطه نزدیک تری دارند. حتی اشتباه کردن نیز می تواند واقعیت ها را به یاد ماندنی تر کند (رضایی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲۳).

کلاس استقرایی فضایی پر جنب و جوش است که در آن مشکلات حل می شوند، سؤالات مطرح می شود و اشتباهات مرتکب می شوند. در نهایت، اطلاعات به دلیل تمام این فرآیندها آموخته می شود.

معایب رویکرد استقرایی

یادگیری استقرایی ممکن است یک رویکرد رایج باشد، اما هنوز شرایطی وجود دارد که در آن فرآیند قیاسی ارجح است (کلاپا، ۲۰۰۹؛ ۳۴۵).

۳-۲- روش استقرایی:

۱- می تواند نابرابری ایجاد کند

ممکن است در مثالی از آموزش استقرایی ببینید که همه دانش آموزان به یک اندازه خوب پاسخ نمی دهند، که می تواند یک کلاس درس دو طرفه ایجاد کند. این نیاز به یک محیط باز دارد که در آن خطاها پذیرفته شده و حتی استقبال می شود تا برای همه تأثیرگذار باشد (بیچر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۴۶).

۲- زمان می برد

گاهی اوقات دانش آموزان با فرضیه های نادرستی روبرو می شوند. این بخشی از فرآیند کار از طریق این موارد است، اما ممکن است همیشه زمان کافی برای استفاده حداکثری از این وجود نداشته باشد (اوسولیوان و کوپر، ۲۰۰۳؛ ۴۵۰).

۳- موضوع پیچیده است

همه حقایق را نمی توان از طریق استدلال کرد. گاهی اوقات، اگر اطلاعات بیش از حد پیچیده است، بهتر است از قبل آن را توضیح دهید. هنگامی که روش تدریس استقرایی در مکان اشتباه به کار گرفته می شود، دانش آموزان می توانند از عدم پیشرفت ناامید شوند (تسیر، ۲۰۰۷؛ ۶۷).



۴- نتیجه گیری

در دهه گذشته، اصول آموزش یادگیرنده محور در تمام سطوح و رشته های آموزشی مورد استفاده گسترده قرار گرفته است. راهبردهایی مانند مشارکت دانش آموز، یادگیری فعال و سایر شیوه‌هایی که دانش‌آموزان را در یادگیری خودشان مشارکت می‌دهند، جزء ضروری آموزش یادگیرنده محور است. این شیوه‌ها بیانگر کل فلسفه معنای معلم محور بودن نیست. تحقیقات به طور مداوم نشان داده است که شیوه های تدریس یادگیرنده محور موثرتر از رویکردهای سنتی معلم محور هستند. دانش آموزان در روش تدریس دانش‌آموز محور مرکز آموزشی هستند و تجربیات یادگیری شناختی و عاطفی آنها باید همه تصمیمات را در مورد اینکه چه کاری و چگونه انجام می شود هدایت کند. دانش آموزان را در فرآیند یادگیری مشارکت می‌کند. آموزش دانش آموز محور شامل آموزش مهارت های صریح است، دانش آموزان یاد می گیرند که چگونه فکر کنند، مسائل را حل کنند، تصمیم گیری کنند، کار گروهی کنند، شواهد را ارزیابی کنند، استدلال ها را تجزیه و تحلیل کنند. آموزش دانش آموز محور با دادن کنترل بر فرآیندهای یادگیری دانش آموزان را برانگیخته می کند. آموزش دانش آموز محور همکاری را تشویق می کند آموزش دانش آموز محور این امکان را برای دانش آموزان فراهم می کند که بتوانند از دیگران و با آنها بیاموزند. رویکردهای اصلی این روش آموزشی شامل یادگیری فعال، یادگیری مشارکتی و یادگیری استقرایی است.

مراجع

- ۱- رضایی، باقرزاده، فضل الله، شیخ، محمود، حمایت طلب، داوود. (۲۰۲۰). تاثیر دوروش تدریس کودک محور و معلم محور بر رشد حرکتی درشت دانش آموزان پایه سوم ابتدایی. رفتار حرکتی، ۱۲(۴۲)، ۱۷-۳۶.
- ۲- کمالی حمیدآبادی، و علیزاده. (۲۰۱۸). تاثیر روش تدریس مسئله محور بر خلاقیت ریاضی دانش آموزان پایه ششم. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۳۸(۳)، ۱-۱۰.
- ۳- Akdemir, E., & Özçelik, C. (2019). The Investigation of the Attitudes of Teachers towards Using Student Centered Teaching Methods and Techniques. Online Submission, 7(4), 1147-1153.
- ۴- Ali, S. S. (2019). Problem based learning: A student-centered approach. English language teaching, 12(5), 73-78.
- ۵- Armbruster, P., M. Patel, E. Johnson, and M. Weiss. (2009). "Active learning and student-centered pedagogy improve student attitudes and performance in introductory biology." Education 8: 203-213.
- ۶- Beichner, R. J., J.M. Saul, D.S. Abbott, J.J. Morse, D.L. Deardorff, R. J. Allain, et al. (2007). "The studentcentered activities for large enrollment undergraduate programs (SCALE-UP) project." In E. F. Redish & P. J. Cooney (Eds.), Research-Based Reform of University Physics. College Park, MD: American Association of Physics Teachers.
- ۷- Klappa, P. (2009). "Promoting active learning through "pub quizzes"— a case study at the University of Kent." Evaluation 14 (December), Article C2.
- ۸- Meng, X., Yang, L., Sun, H., Du, X., Yang, B., & Guo, H. (2019). Using a novel student-centered teaching method to improve pharmacy student learning. American journal of pharmaceutical education, 83(2).
- ۹- Murphy, L., Eduljee, N. B., & Croteau, K. (2021). Teacher-centered versus student-centered teaching: Preferences and differences across academic majors. Journal of Effective Teaching in Higher Education, 4(1), 18-39.



- ۱۰-O'Sullivan, D. W. and C.L. Cooper. (2003). "Evaluating active learning: A new initiative for a general chemistry curriculum." *Journal of College Science Teaching* 32(7): 448-453.
- ۱۱-preszler, R. W. (2009). "Replacing lecture with peer-led workshops improves student learning." *CBE—LifeSciences Education* 8: 182-192.
- ۱۲-Tessier, J. (2007). "Small-group peer teaching in an introductory biology classroom." *Journal of College Science Teaching* 36(4): 64-69.
- ۱۳-Villarroel, V., Benavente, M., Chuecas, M. J., & Bruna, D. (2020). Experiential learning in higher education. A student-centered teaching method that improves perceived learning. *Journal of University Teaching & Learning Practice*, 17(5), 8